

Forecasting and Explaining the Scenarios Facing the Pension Funds of the Ministry of Cooperation, Labor and Social Welfare

Hojjat Elah Mirzaei Tashenazi 

Assistant Professor of Economics, Faculty of Economics, Allameh Tabatabai University, Tehran, ,
Iran ,ho.mirzaei@gmail.com

Morteza Qalich* 

Assistant Professor of Sociology, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran,
ghelich@soc.ikiu.ac.ir

Taha Rabbani 

Assistant Professor of Geography and Urban Planning, Department of Geography, Yazd
University, Yazd, Iran, Trabbani@yazd.ac.ir

Abstract

Purpose: The welfare system and the future of retirement is one of the issues that has become a complicated issue due to its relationship with the growing population of retirees and the elderly and the influence of social, economic, political-legal, technological and environmental developments. In this paper, the drivers and uncertainties affecting the future of pension funds and drawing the probable, possible and desirable futures of these funds have been analyzed.

Method: In terms of methodology, in the current study, integrated foresight was used to select methods. The interview was conducted with a group of 30 experts using the "judgmental" and "snowball" targeted sampling methods.

Findings: In the first step, 70 drivers affecting the future of pension funds were identified and after initial refinement, the list of drivers was localized and by removing similar drivers and having little connection with the future environment of Iran, the final list of 47 drivers (Technology 11, Social 8, environmental 4, economic 15, political-institutional 9 driver) were selected in order to analyze cross effects and measure importance and uncertainty.

Conclusion: According to the results of the research, the future of pension funds of Cooperation, Labor and Welfare Ministry is affected by four critical uncertainties including the influence of old generations in governance, the process of privatization of government jobs, the political nature of the government and sanctions. After logic giving to scenarios and eliminating incompatible and similar scenarios, there will be six scenarios: reconstruction after economic war, interaction and construction, brinkmanship, heroic flexibility, available victory and compromise and transition. The explanation of the challenges and opportunities in the six scenarios indicates that the challenges are: the aging of the population and the gradual increase in pension pressure, medical expenses and disability, the increase in climatic migrations and its direct impact on the reduction of the income of the villagers and nomads fund, the direct effect of drought on migration to cities, the increase of informal jobs in at least four scenarios will have an increasing and negative trend in the future.

Keywords: Welfare System, Retirement, Pension Fund, Forecasting, Drivers, Scenarios

Cite this article: Elah Mirzaei Tashenazi, Hojjat. Qalich, Morteza & Rabbani, Taha. (2023), Forecasting and Explaining the Scenarios Facing the Pension Funds of the Ministry of Cooperation, Labor and Social Welfare, Volume 8, NO.1 Spring & Summer 2023, 283-311

DOI: 10.30479/jfs.2023.18264.1455

Received on: 9 May, 2022 **Accepted on:** 27 May, 2023

Copyright © 2023, The Author(s). 

Publisher: Imam Khomeini International University

Corresponding Author: Morteza Qalich

E-mail: ghelich@soc.ikiu.ac.ir

آینده نگاری و تبیین سناریوهای پیش روی صندوق های بازنشستگی تابعه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی

حجت اله میرزایی تشنیزی¹⁵

استادیارگروه اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران ho.mirzaei@gmail.com

مرتضی قلیچ¹⁶*

استادیارگروه جامعه شناسی دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران، (نویسنده مسئول) ghehlich@soc.ikiu.ac.ir

طاها ربانی¹⁷

استادیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری، گروه جغرافیا، دانشگاه یزد، یزد، ایران Trabbani@yazd.ac.ir

چکیده

هدف: نظام رفاهی و آینده بازنشستگی، از جمله موضوعاتی است که به دلیل ارتباط آن با جمعیت رو به افزایش بازنشستگان و سالمندان و تأثیرپذیری از تحولات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، قانونی، فناوریانه و زیست محیطی، تبدیل به مسأله ای پیچیده شده است. در مقاله حاضر، پیشران ها و عدم قطعیت های اثرگذار بر آینده صندوق های بازنشستگی و ترسیم آینده های محتمل، ممکن و مطلوب این صندوق ها، واکاوی شده است.

روش: به لحاظ روش شناسی، در مطالعه کنونی به منظور انتخاب روش ها، از آینده نگاری یکپارچه (انتگرال) استفاده شده و ترکیبی از روش های مصابه، دلفی، تحلیل اثرات متقاطع و ریخت شناسی به کار گرفته شده است. گروه خبرگان، برای انجام مصاحبه و دلفی، ۳۰ نفره بوده و با استفاده از روش نمونه گیری هدفمند «قضاوتی» و «گلوله برفی» انتخاب شده است.

یافته ها: در گام اول، ۷۰ پیشران مؤثر بر آینده صندوق های بازنشستگی، شناسایی و پس از پالایش اولیه، فهرست پیشران های بومی سازی شده و با حذف پیشران های مشابه و دارای ارتباط کم با محیط آینده ایران، فهرست ۴۷ پیشران نهایی (فناوری ۱۱، اجتماعی ۸، زیست محیطی ۴، اقتصادی ۱۵، سیاسی_ نهادی ۹ پیشران) به منظور تحلیل اثرات متقاطع و سنجش اهمیت و عدم قطعیت انتخاب شدند.

نتایج: بر اساس نتایج این پژوهش، آینده صندوق های بازنشستگی تابعه وزارت تعاون، کار و رفاه، تحت تأثیر چهار عدم قطعیت بحرانی یعنی: تأثیر نسل های قدیمی در حکمرانی، روند خصوصی شدن مشاغل دولتی، ماهیت سیاسی دولت و تحریم ها قرار دارد و پس از منطقی دهی به سناریوها و حذف سناریوهای ناسازگار و مشابه، سناریوهای شش گانه تحت عناوین: بازسازی پس از جنگ اقتصادی، تعامل و سازندگی، لبه پرتگاه، نرمش قهرمانانه، پیروزی نزدیک و سازش و گذار، برای آینده صندوق های بازنشستگی وجود خواهد داشت. تبیین وضعیت چالش ها و فرصت ها در سناریوهای شش گانه، حاکی از این است که چالش های: سالخوردگی جمعیت و افزایش تدریجی فشار مستمری و هزینه های درمانی و از کار افتادگی، افزایش مهاجرت های اقلیمی و تأثیر مستقیم آن بر کاهش ورودی صندوق روستاییان و عشایر و تأثیر غیرمستقیم خشکسالی بر مهاجرت به شهرها و افزایش مشاغل غیررسمی، در حداقل چهار سناریو در آینده، روند افزایشی و منفی خواهند داشت. واژگان کلیدی: نظام رفاهی، بازنشستگی، صندوق بازنشستگی، آینده نگاری پیشران ها، سناریوها.

*استناد: میرزایی تشنیزی، حجت اله، قلیچ، مرتضی و ربانی، طاها (۱۴۰۲)، آینده نگاری و تبیین سناریوهای پیش روی صندوق های بازنشستگی تابعه وزارت

تعاون، کار و رفاه اجتماعی

دو فصلنامه علمی آینده پژوهی ایران، مقاله پژوهشی، دوره ۸، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۲، ۲۸۳-۳۱۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۲/۱۹ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۲/۶

ناشر: دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)

مقدمه

تجارب و اسناد کشورهای مختلف در زمینه آینده‌نگاری ملی، به صورت کلی و تجارب موضوعی سازمان‌های مختلف، در مورد چالش‌ها و مسائل آینده، همگی بیانگر ضرورت بهره‌گیری سازمان‌ها و دولت‌ها از آینده‌پژوهی است. در این میان، برخی از مسائلی که دولت‌ها و جوامع با آن مواجه هستند؛ به دلیل ماهیت گسترده و فرا سازمانی، از تحولات در سطوح مختلف جهانی، ملی و محلی تأثیر می‌پذیرند. این گستردگی، در کنار شتاب روزافزون رشد فناوری و تأثیر آن بر تغییر مداوم ماهیت پدیده‌ها و مسائل، تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی برای چنین موضوعاتی را بسیار دشوار کرده است.

سیستم رفاه و آینده بازنشستگی از جمله موضوعاتی است که به دلیل ارتباط آن با تعداد بسیاری از افراد جامعه و تأثیرپذیری از تحولات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، قانونی، فناورانه و زیست محیطی، تبدیل به مسأله‌ای پیچیده شده است. اتخاذ هرگونه راهکار در این باره، بدون تحلیل عوامل کلان محیطی و در نظر گرفتن پیامدهای آینده بلندمدت این راهکارها، نتیجه‌ای جز بحرانی‌تر شدن وضع موجود ندارد. لازمه تصمیم‌گیری هوشمند در این زمینه، شناخت پیشران‌ها و عدم قطعیت‌های اثرگذار بر آینده صندوق‌های بازنشستگی و ترسیم آینده‌های محتمل، ممکن و مطلوب این صندوق‌ها است. مطالعه کنونی با هدف آینده‌نگاری و تبیین سناریوهای پیش روی صندوق‌های بازنشستگی تابعه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، صورت می‌گیرد.

نگاهی به آمار کل افراد تحت پوشش صندوق‌های بازنشستگی کشور، نشان می‌دهد که از حدود ۸۰ میلیون جمعیت کشور، ۵۵ میلیون نفر زیر پوشش حداقل یکی از صندوق‌های بازنشستگی بوده‌اند که از بین آن‌ها، سهم سازمان تأمین اجتماعی، بیش از ۴۱ میلیون نفر، یعنی نزدیک به ۷۵ درصد کل نفقات اصلی و تبعی زیر پوشش صندوق‌های بازنشستگی است. بعد از سازمان تأمین اجتماعی، صندوق بازنشستگی کشوری، با سهمی حدود ۱۱ درصد کل افراد تحت پوشش قرار دارد و مجموع سایر صندوق‌ها که اغلب صندوق‌های صنفی هستند؛ حدود ۱۴ درصد از جامعه هدف را در بر می‌گیرند. در بیشتر کشورهای جهان، صندوق‌های بازنشستگی، از مهم‌ترین واسطه‌های مالی محسوب شده و به دلیل ویژگی خاص منابعشان که مهم‌ترین آن، افق بلندمدت جمع‌آوری منابع و البته ایفای تعهدات مربوطه در قالب پرداخت مستمری است؛ تفاوت‌هایی با سایر واسطه‌ها دارند. همین امر سبب شده است که منابع عظیم این صندوق‌ها، در بیشتر حوزه‌های مالی و سرمایه‌گذاری از بازار سهام و مستغلات گرفته تا شرکت‌های بیمه و بانک‌ها گسترده شده و در نتیجه، هر چالشی در زمینه منابع و مصارف آن‌ها، به صورت عاملی برای ریسک سیستماتیک ظاهر شده و خطر بی‌ثباتی مالی، در کل نظام مالی را افزایش دهد. مطالعه صندوق‌های بازنشستگی در

اقتصاد ایران، نشان می‌دهد که در حال حاضر این صندوق‌ها، بنا به دلایل مختلف، با کسری و شکاف نقدینگی مواجه هستند که در کوتاه‌مدت، سر ریز آن، با فشار بر منابع دولت، در بودجه ظاهر شده است ولی در میان‌مدت با توجه به در هم تنیدگی شدید این صندوق‌ها، با سایر اجزای سیستم مالی، از بازارهای مختلف مالی گرفته تا واسطه‌های مالی، سر ریز این مشکلات، در زمینه ثبات مالی مشاهده شده و مشکلات این صندوق‌ها، می‌تواند به‌عنوان عامل ریسک سیستماتیک، برای ثبات مالی عمل کند. (ابراهیمی و همتی، ۱۳۹۷) در سمت مقابل، بسیاری از مسائل و مشکلات صندوق‌های بازنشتی، متأثر از تحولات و تغییر در مؤلفه‌های اقتصادی و غیراقتصادی است که بدون پرداختن به آن‌ها، ترسیم دورنمای صندوق‌ها و ارائه راهکارها برای آن‌ها غیرممکن خواهد بود.

بیان مسأله

طی سه دهه گذشته، اقتصاد ایران با فراز و فرودهای شدید روبه‌رو بوده است. علی‌رغم این‌که در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ ایران، پیش‌بینی شده بود؛ ایران به‌عنوان قدرت برتر اقتصادی در منطقه، ایفای نقش کند اما در مسیر دستیابی به چشم‌انداز، تحت تأثیر عوامل درونی و بیرونی، دچار خلل‌های اساسی شد. در بلندمدت، درحالی‌که نرخ رشد اقتصادی، هدف برنامه‌های پنجم و ششم توسعه، ۸ درصد تعیین شده است؛ متوسط رشد اقتصادی کشور از سال ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۸، نزدیک به صفر درصد بوده است. مهم‌تر از متوسط رشد اقتصادی پایین کشور، در سال‌های اخیر پر نوسان بودن رشد است. به نحوی که نرخ رشد اقتصادی کشور، طی این سال‌ها، از منفی ۸٫۳ تا مثبت ۱۴ درصد در نوسان بوده است. (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، معاونت پژوهش‌های اقتصادی، ۱۳۹۹). متوسط نرخ تورم بلندمدت اقتصاد ایران، نزدیک به ۲۰ درصد بوده است. درحالی‌که در سال ۲۰۱۸ در دنیا، میانگین تورم، ۲٫۴ درصد بوده است و تقریباً همه کشورها، با سیاست‌های خود، توانسته‌اند درصد بالای تورم را مهار کنند. بخش مهمی از افزایش نرخ تورم در ایران، به عوامل غیراقتصادی و بیشتر عوامل سیاسی مرتبط است که در این زمینه می‌توان به تفاوت نگرشی و ارزشی نظام حاکم، با قدرت‌های اقتصادی جهان، بویژه ایالات متحده و کشورهای اروپایی اشاره کرد.

علاوه بر چالش‌های اقتصادی، مؤلفه سالخوردگی جمعیت نیز، مسأله اقتصاد را تحت‌الشعاع قرار داده است. ایران نیز، در دهه‌های اخیر، تغییرات جمعیتی فراوانی را تجربه کرده و توجه به مسائل جمعیتی آن، بسیار افزایش یافته است. احتمالاً مهم‌ترین علت این توجه بیشتر، تغییرات سریع

جمعیتی و پیدایش مسائل جدید مرتبط با آن از جمله سالخوردگی جمعیت است. سالخوردگی جمعیت، بویژه در چند دهه آینده، یکی از کانون‌های توجه مسائل جمعیتی ایران خواهد بود. برخی از پژوهشگران، معتقدند سالخوردگی جمعیت‌های انسانی، شاید مهم‌ترین چالش جمعیتی پیش روی جوامع، در قرن ۲۱ باشد. (پالونی، ۲۰۰۹: ۸).

نظام بازنشستگی در کشور ما، نظام گسترده‌ای است که از ۴ صندوق بزرگ و حدود ۱۴ صندوق کوچک تشکیل شده است. افزایش تعداد مستمری‌گیران، یکی از چالش‌های اصلی صندوق‌های بازنشستگی کشور است. نسبت پشتیبانی (نسبت بیمه‌شدگان اصلی به مستمری‌گیران اصلی) به ازای کلیه صندوق‌ها، نزدیک به عدد ۳٫۵ است. به عبارتی، در کل نظام بیمه‌های اجتماعی ایران، به ازای هر فرد بازنشسته نزدیک به چهار نفر، حق بیمه پرداخت می‌کنند. این در شرایطی است که نسبت پشتیبانی در حالت سربه‌سری صندوق‌ها، نزدیک به عدد ۵ است. بنابراین، فارغ از توزیع ناهمگون جمعیت بیمه شده و مستمری‌گیر اصلی در صندوق‌های گوناگون بازنشستگی، وضعیت بیمه‌های اجتماعی ایران، در مرز بحران است. این تحلیل، بدون در نظر گرفتن افراد وابسته و تبعی ارائه شد. از طرفی، اگر هر فرد بیمه شده اصلی، دو نفر تحت تکفل داشته باشد؛ جمعیت بیمه شده کشور، با این مبانی فرضی، قریب به ۵۰ میلیون نفر می‌شود. بنابراین، با مقایسه این رقم با جمعیت کشور، می‌توان گفت ظرفیت قابل قبولی برای بیمه شدن و استفاده از حق بیمه، برای تأمین مالی صندوق‌ها وجود دارد. (پارسیان، ۱۳۹۸)

بزرگ‌ترین صندوق، از نظر تعداد مشترکان، صندوق تأمین اجتماعی و قدیمی‌ترین آن‌ها نیز، صندوق بازنشستگی کشوری است. این صندوق‌ها، جمعاً بیش از ۵۵ میلیون نفر را زیر پوشش خود دارند که حدود ۶۹ درصد جمعیت کشور، محسوب می‌شوند. در بین صندوق‌های بازنشستگی کشور، سازمان تأمین اجتماعی در حوزه بیمه‌های اجتماعی و درمانی، با بیش از ۴۱ میلیون نفر جامعه زیر پوشش، اعم از بیمه شده و مستمری‌گیر (اصلی و تبعی) است که ۵۲ درصد جمعیت کل کشور را شامل می‌شود.

جدول ۱- مشخصات کلی صندوق‌های بازنشستگی تابعه وزارت تعاون، کار و رفاه

ردیف	صندوق بیمه‌گر	تعداد بیمه‌شده اصلی	تعداد مستمری‌گیر	مجموع گیرندگان خدمات	بعد خانوار	جمعیت تحت پوشش	درصد از کل جمعیت زیر پوشش
۱	سازمان تأمین اجتماعی	۱۳,۷۱۲,۰۰۰	۵,۳۸۴,۰۰۰	۱۹,۰۹۶,۰۰۰		۴۱,۳۸۱,۰۰۰	۷۴,۳۵
۲	صندوق بازنشستگی کشوری	۱,۴۶۲,۳۰۰	۱,۳۶,۷۴۰,۱	۲,۶۳۸,۴۰۱	۳,۲۶	۸,۶۰۲,۱۶۵	۱۱,۳۸
۳	صندوق فولاد	۹,۱۵۰	۸۳,۰۰۰	۹۲,۱۵۰	۳,۲۶	۴۰,۹۳۰,۰	۵,۹
۴	صندوق روستاییان و عشایر	۱,۳۲۲,۴۵۱	۲۲,۷۵۴	۱,۳۴۵,۲۰۵	۳,۴۲	۴,۰۰۶,۶۰۱	۰,۳۸

*مآخذ: گزارش وضعیت مالی، بیمه‌ای و اقتصادی صندوق‌های بازنشستگی کشوری (معاونت اقتصادی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی-۱۳۹۶)

ادامه جدول ۲ - مشخصات کلی صندوق‌های بازنشستگی تابعه وزارت تعاون، کار و رفاه

ردیف	صندوق بیمه‌گر	جمع دریافتی صندوق‌ها			مرجع تصویب‌کننده
		سهم بیمه‌شده	سهم کارفرما	سهم دولت	
۱	سازمان تأمین اجتماعی	۷	۲۰	۳	مجلس شورای اسلامی
۲	صندوق بازنشستگی کشوری	۹	۱۳.۵	تأمین کسری	مجلس شورای اسلامی
۳	صندوق فولاد	۱۰	۲۰	-	دولت
۴	صندوق روستائیان و عشایر	۵	۱۰	-	دولت

طی دهه اخیر، به دلیل تحولات جمعیتی، افزایش امید به زندگی، سالمند شدن جمعیت زیرپوشش، بالا بودن نرخ حوادث، سوانح، بیماری‌های شغلی و عوامل مشابه، تعداد بازنشستگان و مستمری‌بگیران تأمین اجتماعی، به نحو چشمگیری، افزایش یافته است. علاوه بر این، اجرای قوانین بازنشستگی پیش از موعد و افزایش دامنه شمول این قوانین، در سال‌های اخیر، منجر به تشدید روند رشد تعداد مستمری‌بگیران این صندوق‌ها شده است.

این تغییرات، موجب شده که نسبت پشتیبانی صندوق‌های بازنشستگی کشوری و لشکری (نسبت بیمه‌شدگان اصلی به مستمری‌بگیران) در سال ۱۳۹۵، به حدود ۹٪، برسد. مفهوم این شاخص، این است که در سال ۱۳۹۵، به ازای هر ۱۰ نفر مستمری‌بگیر، حدود ۹ نفر، حق بیمه می‌پردازند. نسبت (نرخ) جایگزینی که از نسبت حقوق بازنشستگی در آغاز بازنشستگی، به آخرین حقوق در زمان اشتغال (آن بخش از حقوق که مشمول کسور حق بیمه می‌شود) حاصل می‌شود؛ از شاخص‌های مهم در ارزیابی پایداری مالی صندوق‌ها است. بدین معنی که افزایش شاخص نرخ جایگزینی، در تراز منابع و مصارف صندوق‌ها، نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. میزان نرخ جایگزینی، برای صندوق بازنشستگی کشوری، در سال ۱۳۹۵، برابر با ۰.۸۷ و برای سازمان تأمین اجتماعی ۰.۸۳ است.

در کشورهای مختلف، سن بازنشستگی، با توجه به افزایش امید به زندگی، تعیین و به همان نسبت افزایش می‌یابد. اما، همان‌طور که در جدول شماره ۲، مشاهده می‌شود؛ بین سن بازنشستگی، با امید به زندگی مردان و زنان، تفاوت معنادار و قابل‌توجهی وجود دارد. این امر، باعث می‌شود که تعداد بازنشستگان، بیش از تعداد شاغلان شده و در نتیجه، تعادل و پایداری مالی صندوق‌ها را مختل کند. به دلیل بازنشستگی‌های پیش از موعد و در سنین پایین، به‌استثنای صندوق بازنشستگی کشاورزان، روستاییان و عشایر، در سایر صندوق‌ها، فاصله سن بازنشستگی زنان و مردان، با امید به زندگی، بسیار بالاست و این امر، موجب تعهدات مالی سنگینی برای صندوق‌ها شده است.

جدول ۳- شاخص‌های کلیدی عملکرد صندوق‌های بیمه اجتماعی (۱۳۹۵)

شاخص	سازمان تأمین اجتماعی	صندوق بازنشستگی کشوری	صندوق کشاورزان، روستائیان و عشایر	صندوق فولاد
نسبت پشتیبانی	۵۵	۰.۹	۵۸.۲	۰.۲
نرخ جایگزینی	۰.۸۳	۰.۸۷	۰.۶۵	۰.۵۷
فاصله سن بازنشستگی با امید به زندگی (مردان)	۱۷	۲۰.۰۸	۱۱.۲	۲۲
فاصله سن بازنشستگی با امید به زندگی (زنان)	۲۲	۲۴.۵	۱۲.۸	۲۵

*منبع: گزارش امور سلامت و رفاه اجتماعی سازمان برنامه و بودجه کشور

تداوم این روند، چالش‌های زیادی را فرا روی ایران قرار می‌دهد و نگرانی‌های بسیاری را درباره حرکت به سوی رشد اقتصادی، هزینه‌های بهداشت و درمان، نظام تأمین اجتماعی و پرداخت حقوق بازنشستگان و تأمین رفاه سالمندان، به همراه دارد. زمانی که افراد در دهه‌های پایانی عمر خود به سر می‌برند، دارایی‌ها و پس‌انداز خود را جهت گذراندن زندگی استفاده نموده و در فعالیت‌های اقتصادی و امور تولیدی، سرمایه‌گذاری کمتری نموده و از طرف دیگر، پدیده سالمندی، به کاهش نیروی فعال اقتصادی مولد، در نتیجه افزایش جمعیت مصرف‌کننده، منجر می‌شود. (Uddin et al, 2016) نتایج پژوهش‌ها در ایران، نشان می‌دهد که تغییرات ساختار سنی جمعیت، تأثیر منفی بر امنیت اقتصادی داشته است. افزایش نسبت جمعیت سالمندان (بالای ۶۵)، موجب می‌شود که از نیروی انسانی تولید، کاسته شده و موجبات کاهش رشد اقتصادی فراهم گردد. افزایش نسبت جمعیت سالمندان، مسلماً به افزایش هزینه‌های بهداشت و درمان، منجر خواهد شد و همچنین، مراقبت‌های مربوط به این گروه سنی را افزایش می‌دهد، و از آن‌جا که جمعیت بالای ۶۵ سال، اصولاً از عایدی ناشی از اندوخته‌ها و پس‌اندازهای دوره جوانی خود بهره‌مند هستند؛ در نتیجه، به جای سرمایه‌گذاری پس‌اندازهای خود، از آن‌ها استفاده کرده و موجبات کاهش امنیت اقتصادی، فراهم می‌گردد. بنابراین، پیر شدن جمعیت، سبب کاهش پس‌انداز عمومی، سرمایه و نیروی انسانی می‌شود و در نتیجه، باعث کاهش امنیت اقتصادی می‌گردد.

با روند کنونی رشد جمعیت و افزایش سالمندان و با توجه به آن‌که تعداد افراد فعال و شاغلی که تأمین‌کنندگان اصلی وجوه صندوق‌های بازنشستگی هستند؛ کاهش و هم‌زمان، متقاضیان استفاده از خدمات صندوق‌های بازنشستگی افزایش می‌یابد و این صندوق‌ها به جای سرمایه‌گذاری در بخش‌های تولیدی و اقتصادی، باید به فکر تأمین وجوه مورد نیاز، جهت پرداخت حقوق بازنشستگی، بهداشت و درمان و امور رفاهی سالمندان باشند. این امر به معنای بار مضاعف بر روی

بخش‌های اقتصادی کشور و دولت، جهت بیمه بازنشستگی، تأمین اجتماعی و بهداشت و درمان سالمندان خواهد بود. (عزتی و دیگران، ۱۳۹۷)

بسیاری از محققین اقتصادی ایران، از بحران صندوق‌های بازنشستگی در ایران، به‌عنوان یکی از ابر چالش‌های پیش‌روی اقتصاد ایران، در کنار بحران‌های دیگری نظیر بحران آب، محیط‌زیست و اشتغال نام می‌برند. صندوق‌های بازنشستگی، جزوی از یک کل، به نام نظام تأمین اجتماعی به شمار می‌روند که فقط کارکرد اقتصادی دارند. وظیفه آن‌ها، به زبان ساده، تجمیع و پس‌انداز بخشی از حقوق و دستمزد افراد جامعه، در زمان اشتغال و انتقال مجدد آن به فرد، در زمان بازنشستگی (یا ازکارافتادگی)، البته با حفظ قدرت خرید مبالغ انباشت‌شده در طی زمان است. لذا با این تعریف، زمانی که سخن از بحران در چنین نهادهایی به میان می‌آید؛ منظور بروز بحران مالی به شکل برهم خوردن توازن جریان نقدی ورودی و خروجی صندوق‌هاست. شرایطی که به نظر می‌رسد بر بسیاری از صندوق‌های بازنشستگی کشور سایه افکنده و پیش‌بینی می‌شود در صورت تداوم شرایط فعلی، طی دهه‌های آتی، تمامی صندوق‌های کشور را در برگیرد. (میرزاابراهیمی، ۱۳۹۶)

بنابراین، صندوق‌های بازنشستگی، با توجه به اثراتی که از عوامل داخلی و خارجی، در ابعاد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی - فرهنگی و فناورانه می‌پذیرند؛ در آینده، با مشکلات اساسی مواجه خواهند شد. نامعلومی عوامل اثرگذار بر آینده این صندوق‌ها و عدم قطعیت‌های اساسی در کلان‌روندها و پیشران‌های اثرگذار بر آن‌ها، چاره‌ای جز ترسیم و تبیین آینده‌های پیش‌رو باقی نگذاشته است. لذا، در پژوهش پیش‌رو، سعی بر این است با ترسیم و تبیین سناریوهای آینده اقتصاد و سرمایه‌گذاری در ایران، فضا و چشم‌انداز کلی پیش‌روی صندوق بازنشستگی تابعه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، چالش‌ها و فرصت‌های پیش‌روی سناریوهای مختلف ارائه شده و تاثیر هرکدام بر صندوق‌های بازنشستگی تبیین شود.

سؤالات پژوهش:

با توجه به ماهیت آینده‌پژوهانه و رویکرد اکتشافی، در پژوهش پیش‌رو، به جای فرضیات، سؤالات پژوهش، مشتمل بر موارد زیر ارائه شده است:

پیشران‌های اثرگذار بر آینده صندوق‌های بازنشستگی کدامند؟

چه عدم قطعیت‌های بحرانی پیش‌روی صندوق‌های بازنشستگی کشور وجود دارد؟

با توجه به عدم قطعیت‌های بحرانی، چه سناریوهایی برای آینده صندوق‌های بازنشستگی وجود خواهد داشت؟

نظام‌های رفاهی و چالش‌های پیش روی صندوق‌های بازنشستگی در آینده (مبانی نظری)

صنعتی شدن، دموکراتیزه شدن و ملت‌سازی، سیاست‌های دولت رفاه را در قرن بیستم شکل داد. اقتصاد خدمات، جهانی شدن و بحران دموکراسی، تشکیل‌دهنده دولت رفاه در قرن ۲۱ هستند. امروزه، بسیار مهم است که درباره مفهوم «دولت رفاه» بازننگری کنیم و به ارائه پرسش‌های مهم و اساسی درباره طراحی، ارائه و تجربه رفاه، در قرن ۲۱ بپردازیم. جامعه‌شناسان، دانشمندان علوم سیاسی، اقتصاددانان و پژوهشگران آینده‌نگاری، افزایش روزافزون خطرات و فشارها در زمینه رفاه را پیش‌بینی می‌کنند. این شرایط، تفاوت فاحشی با دوره قبل دارد که با رشد قاطع، اشتغال (کامل) مردان، نیازهای رفاهی قابل پیش‌بینی، جوامع همگن و تسلط طبقه بر سیاست هویتی و استقلال سیاسی - اقتصادی ملی، مشخص می‌شود. تجزیه و تحلیل سیاست‌های اخیر، نشان می‌دهد که ظهور اقتصاد کارآفرینی، نشان‌دهنده سرمایه‌داری پویاتر است. تغییر از اقتصاد مدیریت شده، به سوی اقتصاد کارآفرینی، «دولت بزرگ»، «شرکت بزرگ» و «نیروی کار بزرگ» را تضعیف کرده است. این نوع تغییرات جهانی در سرمایه‌داری، دولت رفاه را وادار می‌سازد تا خود را با این تغییرات، وفق دهد. بنابراین تجدید حیات سیاست رفاه و مدل‌های رفاهی، در کل جهان، ضروری به نظر می‌رسد. (پاتریک، ۱۳۸۱: ۱۹۴)

نظام‌های رفاهی، به لحاظ بنیان‌های فکری، ایده‌آل‌ها و اهداف عملیاتی، تفاوت‌های گسترده‌ای دارند و این تفاوت‌ها را می‌توان در چالش‌های آینده آن‌ها نیز تصور کرد. هم‌زمان با ظهور دولت رفاه، در مناطق مختلف جهان، انتظار عهده‌دار شدن تأمین اجتماعی نیز شکل گرفت. از این‌رو، پژوهشگران، با روش‌های مختلف، عملکرد مربوط به زمینه‌ها و گزینه‌های طرح سیاسی و تأمل درباره نقش و عملکرد دولت رفاه را تعمیق بخشیدند. (Bouget et al, 2015). پژوهشگران سیاست اجتماعی، بر این باورند که امروزه ائتلاف‌های ناپایدار طبقه‌ای بنا شده در کشورها، پیش‌بینی تحول سیاسی را دشوارتر و به دنبال آن، سیاست‌های رفاهی را با چالش‌های عدیده، روبه‌رو کرده است. دولت‌های معاصر، علاوه بر مبادلات داخلی، با فشارهای جهانی شدن روبه‌رو هستند که منجر به افزایش پیچیدگی راه‌حل‌های اجتماعی و سیاسی می‌شود. مطالعات جمعیتی، تأکید می‌کنند که سیل مهاجرت افزایش خواهد یافت و مدل‌های رفاهی، در دورترین نقاط جهان، باید به تأثیرات مختلف مهاجرت، با جدیت بیشتری، توجه کنند. همچنین، اقتصاددانان، نگران پیری جمعیت نیز هستند و ادعا می‌کنند مدل‌های رفاهی، نمی‌توانند به دلیل کاهش نیروی فعال کار، نجات یابند. (الکاک و دیگران، ۱۳۹۴: ۲۱۶)

طی دهه‌های اخیر، امید به زندگی، به‌طور قابل توجهی بالا رفته و میزان زاد و ولد کاهش یافته است. (Willekens, 2015) همچنین، ساختار خانواده کاملاً دگرگون شده (Pahl and Spencer, 2010) و تغییرات در الگوهای مصرف، همراه با سبک زندگی کم‌تحرک نیز، بر سلامت شهروندان اثرگذار بوده و موجب افزایش بیماری‌های مزمن شده است. پیشرفت فناوری نیز، به این تغییرات کمک کرده و موجب تحول بازار کار شده است. (OECD, 2019). از همین‌رو، در کنار پیشرفت‌های حاصل از «انقلاب صنعتی جدید»، پیامدهای منفی (در ارتباط با اشکال جدید تولید و مصرف مبتنی بر دیجیتالی شدن) نیز، ظهور یافته‌اند و منجر به افزایش شکاف‌های اجتماعی میان دولت‌ها، کشورها، مناطق و گروه‌های مختلف جمعیت شده‌اند. (Vazquez et al, 2019). این مسائل و برخی عدم قطعیت‌ها، درباره مسیرهای آینده، موجب شده که سیاست‌گذاران، شهروندان، ذینفعان و بسیاری از پژوهشگران، به دنبال دولت رفاهی مناسب برای آینده باشند. لذا، در بسیاری از کشورها، نیاز به اصلاح و مدرن‌سازی دولت رفاه، در دستور کار سیاسی قرار گرفته است. با این‌که بعضی کشورها، اقدامات سیاسی جدیدی را همراه با اجرای طرح‌های اصلاحی انجام داده‌اند؛ هنوز نیاز به یک بحث عمیق، درباره چگونگی اصلاح دولت رفاه و یک بازاندیشی کلی، در ساختار اجتماعی جوامع ما وجود دارد. به همین دلیل، شکل‌گیری نظام‌های رفاهی آینده، از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است و می‌تواند از نظر نیاز، به درک و تعیین شرایط برای پیش‌بینی یک جامعه قوی‌تر و فراگیرتر استفاده شود؛ به طوری که خطرات ذکر شده را تبدیل به فرصت‌هایی برای همه افراد کند. (Misuraca, Pasi, and Viscusi, 2018)

مسیرهای پراکنده شغلی، اشکال شدید انعطاف‌پذیری و منسوخ شدن مهارت‌ها، فقط چند مورد از جنبه‌هایی است که با تحولات دیجیتال ایجاد شده و تشدید می‌شوند و موجب تغییر پارادایم در عملکرد بازارهای کار و به دنبال آن، تغییر عمیق در ماهیت کار می‌شوند. (Vazquez et al, 2019, Gonzalez) در این زمینه، یک مکانیزم تأمین مالی دولت رفاه، مبتنی بر مشارکت‌های بیمه اجتماعی، همان‌طور که در مدل بیسمارکی وجود دارد؛ نمی‌تواند به‌درستی عملکرد کشورهای رفاهی را در جوامع کنونی و آینده تضمین کند. همچنین، بازارهای کار، قطبی شده‌اند. فناوری‌های جدید، مشاغل معمول با سطح مهارت متوسط را با مشاغل جدید، با سطح مهارت بالا و پایین جدید، جایگزین کرده‌اند و سقوط تعداد نسبی مشاغل، با سطح مهارت متوسط، اغلب به‌عنوان کاهش طبقه متوسط قطعی تلقی می‌شود. (OECD, 2019, b) برای درک گسترده‌تری و ماهیت تغییرات بالقوه ناشی از خطرات نوظهور و شرایط مهمی که مکانیسم‌های تأمین مالی سنتی دولت رفاه، در آن قرار دارند؛ باید توجه خود را به پاسخ‌های مهمی که در چند سال گذشته، پدید آمده‌اند؛ معطوف کنیم. چنین واکنش‌هایی، شامل اشکال جدید همکاری و هم‌افزایی بین بازیگران

غیردولتی است که به‌طور فزاینده‌ای، در تأمین خدمات رفاهی دخیل هستند. (Maino, 2015) از حیث نظری، به‌صورت کلی، انتظار می‌رود طی ۵ تا ۱۰ سال آینده، تحولات زیر در صندوق‌های بازنشستگی رخ دهد:

جدول ۴- تغییرات مورد انتظار صندوق‌های بازنشستگی طی ۵ تا ۱۰ سال آینده

تغییر	از	به
مدل کسب و کار: نهادگرایی حرفه‌گرایی	مجاز عملیات (کار)، بیشتر از یک ساختار حقوقی است	مجاز عملیات (کار) هر دو ساختار، اجتماعی و حقوقی است
مدل مردمی: به کارگیری فرهنگ و تنوع بیشتر	مردم محوری، قوم‌گرایی، اقتصادهایی که با فرهنگ محدود تحصیل شده‌اند.	چند رشته‌ای، طیف‌های گوناگون از پس زمینه‌های فرهنگی مختلف
مدل عملیاتی: ساده‌سازی تصمیمات	زیر ساخت ضعیف IT	زیر ساخت قوی IT
	تعبصات (بی‌نظمی‌های) قابل توجه در تصمیم‌گیری	تعبصات (بی‌نظمی‌های) کمتر در تصمیم‌گیری
	هوش جمعی ضعیف	هوش جمعی قوی
مدل سرمایه‌گذاری: تغییرات سمت نظم و پایداری بیشتر	تغییرات در اندازه‌های متوسط، اما زیرساخت مالی کوچک	تغییرات در اندازه‌های بزرگ، اما زیرساخت مالی بزرگتر
	هیئت مدیره غالب، کارخانه‌های کوچک	انتخاب غالب، کارخانه‌های بزرگتر
	مدل سرمایه‌گذاری کوچک مقیاس	مدل پایداری جریان اصلی
	مالکان غیر فعال و غیر پاسخگو	مالکان فعال با برخی فعالیت‌ها

پارسیان ۱۳۹۸ به نقل از Thinking ahead institute

تاکنون، پژوهش‌های متعددی در خصوص سناریوهای آینده صندوق‌های بازنشستگی انجام شده است. برخی از این پژوهش‌ها، با اتکا به داده‌های کمی و سری‌های زمانی به برآوردهای عددی دقیق از فاکتورهای مالی صندوق‌ها پرداخته و برخی دیگر، اثرات محیط کلان را در قالب عدم قطعیت‌های بحرانی و سناریوهای کیفی، بررسی و تبیین کرده‌اند. وانگ و دیگران (۲۰۱۹)، در پژوهش خود، در ارتباط با صندوق‌های بازنشستگی در چین، نقش سیاست تعدیل باروری و اصلاحات بازنشستگی را بر صندوق‌های بازنشستگی بررسی کرده و به این نتیجه رسیده‌اند که اگر چین، به‌طور مداوم، سیاست تک فرزندی را اجرا کند و سن قانونی فعلی بازنشستگی را حفظ کند؛ در اوایل دهه ۲۰۲۰، عدم تعادل در برنامه بازنشستگی رخ خواهد داد. این اتفاق، زودتر از آنچه در مطالعات قبلی یافت شده است؛ به وقوع می‌پیوندد. تحلیل سناریوها، در این پژوهش، نشان

می‌دهد که هم تشویق باروری و هم تأخیر در بازنشستگی، توان پرداخت بدهی سیستم بازنشستگی را بهبود می‌بخشد؛ اما با اثرات سیاستی متفاوت. دومی، کمک بیشتری به کاهش شکاف بازنشستگی خواهد کرد. تجزیه و تحلیل سناریوهای ترکیبی بیشتر، نشان می‌دهد که اصلاحات سیاستی، همزمان مؤثرتر از یک اصلاحات واحد است. در بلندمدت، نه تعدیل سیاست باروری و نه تأخیر بازنشستگی، اساساً بحران پرداخت حقوق بازنشستگی را حل نخواهد کرد. (wang, 2019)

مؤسسه PwC، در گزارش خود، در خصوص آینده صندوق‌های بازنشستگی، چهار سناریو را برای آینده صندوق‌های بازنشستگی هلند، ارائه داده است. این مؤسسه، به این نتیجه رسیده است که مشخص نیست که بخش بازنشستگی هلند، در ده سال آینده، چگونه تکامل خواهد یافت. تأثیر تغییرات، بسته به نوع سازمان، می‌تواند کاملاً متفاوت باشد. در نتیجه، تنها پس از تجزیه و تحلیل بازار آینده و همچنین شرایط و ویژگی‌های فعلی، می‌توان پاسخ مسئولانه داد. ارائه سناریوها، با تأیید این‌که در صورت واقعی شدن این سناریوها، چه اتفاقی برای یک سازمان می‌افتد؛ به چنین تحلیلی کمک می‌کنند. با این حال، صرف‌نظر از سناریوی آینده، سازمان‌ها می‌توانند تغییراتی را در نظر بگیرند که در هر صورت، ارزش افزوده را به همراه خواهد داشت. (pwc, 2020)

آژانس بازنشستگی سوئد (۲۰۲۰)، در گزارشی که به گزارش نارنجی معروف است؛ سناریوهای سه گانه (خوشبینانه، بدبینانه و تداوم روند موجود)، را برای آینده صندوق‌های بازنشستگی سوئد، بررسی و تبیین کرده است. پژوهشگران این گزارش، بر این باورند؛ از آنجایی که گروه‌های تولد در جمعیت، از نظر اندازه متفاوت هستند و به درجات متفاوتی کار کرده‌اند؛ درآمد حاصل از مشارکت نیروی کار و پرداخت مستمری، در طول زمان متفاوت خواهد بود. نسبت پشتیبانی، برای اولین بار در سال ۲۰۰۹، منفی بود و انتظار می‌رود که برای سال‌های متمادی در سناریوهای پایه و بدبینانه باقی بماند. علت، این است که گروه‌های بزرگ تولد، در دهه ۱۹۴۰، تقریباً به طور کامل نیروی کار را ترک کرده و بازنشسته شده‌اند. بر اساس سناریوها، از سال ۲۰۳۸، انتظار می‌رود؛ درآمد در سناریوی پایه بیشتر از هزینه باشد. دلیل اصلی، این است که هم‌گروه‌های بزرگ متولدین دهه‌های ۱۹۹۰ و ۲۰۱۰، در سن کار خواهند بود و همزمان گروه‌های دهه ۱۹۶۰، با پرداخت بازنشستگی رو به کاهش خواهند بود. (آژانس بازنشستگی سوئد، ۲۰۲۰: ۳۷)

ایزدبخش و دیگران (۱۴۰۱)، در پژوهش خود، عوامل اثرگذار و زیر سیستم‌های مؤثر در منابع و مصارف صندوق بازنشستگی را شناسایی کرده و با استفاده از رویکرد پویا یی سیستم‌ها، سناریوهای آینده صندوق‌ها را شبیه‌سازی کرده‌اند. در پژوهش آن‌ها، سناریوپردازی و

سیاست‌گذاری، در یک افق زمانی ۵۰ ساله، در مدل شبیه‌سازی انجام گرفته و ۹ سناریو را بر اساس نظر خبرگان طراحی کرده‌اند و برای هر سناریو، تحلیل سیاست‌های انجام شده و اثرات سناریوها، روی متغیرهای میزان نقدینگی، سرمایه صندوق و نسبت پشتیبان، به عنوان مؤثرترین متغیرهای کلیدی، به منظور پیش‌بینی وضعیت پایداری صندوق، بررسی شده‌اند. نتایج به دست آمده حاصل از شبیه‌سازی سیستم منابع و مصارف صندوق بازنشستگی سازمان تامین اجتماعی، بیانگر این است که در صورت ادامه روند فعلی، در سال ۱۴۱۰، بحران فزونی مصارف بر منابع، سال ۱۴۱۷، رسیدن نسبت پشتیبان به عدد بسیار بحرانی ۵،۲ و در سال ۱۴۳۰، سرمایه صندوق، کفایت لازم برای پرداخت تعهدات را نخواهد داشت که همگی نشان از بروز بحران بازنشستگی، در صورت تداوم وضعیت فعلی صندوق، در آینده‌ای نزدیک است. (ایزدبخش و دیگران، ۱۴۰۱: ۷۱-۷۲)

رویکرد روش‌شناختی پژوهش

در مطالعه کنونی، رویکرد اصلی در انتخاب روش‌ها، آینده‌نگاری یکپارچه (انتگرال) است. در این رویکرد، تأکید بر ترکیب روش‌های مختلف، در پژوهش‌های آینده‌نگاری است. در واقع، مفهوم کانونی آینده‌پژوهی انتگرال، بهره‌گیری از رویکردها، روش‌ها و مدل‌های مختلف، برای بررسی ابعاد موضوع مورد بررسی بوده و مهم‌ترین مزیت آینده‌پژوهی انتگرال، این است که امکان مقایسه نتایج بررسی آینده‌های مختلف، با رویکردها، نظریه‌ها و روش‌های مختلف را فراهم می‌سازد. دیگر رویکردهای آینده‌نگاری، با اتکا به تعداد محدودی از روش‌ها و نگرش تک بعدی به آینده‌ها، بسیاری از پیچیدگی‌های مسائل آینده را نادیده گرفته و در نتیجه، امکان تحلیل عمیق سناریوها را نمی‌دهند. بر اساس رویکرد انتگرال، در مرحله گردآوری داده‌ها، از ترکیب روش‌های مصاحبه با خبرگان و مسئولین، دلفی، پویش رسانه‌ها، بررسی اسناد و مدارک علمی استفاده شده است. در مرحله تحلیل و سناریونگاری، از ترکیب روش‌های کیفی و باز، مانند مصاحبه‌های تخصصی در کنار روش‌های کمی - کیفی، همچون تحلیل اثرات متقاطع و شاخص اجماع استفاده می‌شود. به منظور شناسایی پیشران‌ها، از نظر میزان اهمیت، روش تحلیل اثرات متقاطع و نرم‌افزار میک‌مک، به کار گرفته شد. به منظور سنجش میزان عدم قطعیت نیز، پرسشنامه تحلیل احتمال وقوع، تدوین و توزیع شده و بر اساس میزان اجماع خبرگان، درجه عدم قطعیت محاسبه شد. از ترکیب این دو امکان، شناسایی عدم قطعیت‌های بحرانی حاصل شده و محورهای سناریو به دست آمد. از انتقادات وارده، به بسیاری از پژوهش‌های انجام شده با عنوان آینده‌نگاری، می‌توان به استفاده از یک نرم‌افزار مشخص و عدم دقت در سنجش عدم قطعیت اشاره کرد. در این پژوهش، ترکیب شاخص اجماع و نتایج نرم‌افزار میک‌مک، اشکال مورد اشاره را به کمترین حد رسانده است.

در پایان، به منظور حذف سناریوهای ناسازگار و مشابه، از تحلیل ریخت‌شناسی استفاده شده است. گروه خبرگان در این پژوهش، شامل ۳۰ نفر از مدیران، مسؤولان، متخصصان و فعالان حوزه‌های مختلف مرتبط با آینده اقتصادی و سرمایه‌گذاری، بازار کار، رفاه اجتماعی و بازنشتگی بوده‌اند. نمونه‌گیری از خبرگان، با استفاده از دو روش «قضاوتی» و «گلوله برفی» صورت گرفت که هر دو جزو روش‌های نمونه‌گیری هدفمند محسوب می‌شوند. اشباع نظری پاسخ‌ها و بهره‌گیری از بیشترین تعداد خبرگان، نتایج دقیق‌تر و اتقان پاسخ‌ها را در پی داشت.

جدول خبرگان شرکت‌کننده در پژوهش

سطح تحصیلات		سابقه کار (تجربه)		رشته تحصیلی	
تعداد	سطح	تعداد	سال سابقه	رشته	تعداد
۳	کارشناسی	۵	کمتر از ۳ سال	اقتصاد	۵
۷	کارشناسی ارشد	۹	۳ تا ۶ سال	فناوری اطلاعات	۶
				امور مالی	۳
۱۰	دکتری	۶	۷ تا ۱۰ سال	جامعه‌شناسی	۳
				آینده‌پژوهی	۵
۱۰	فوق‌دکتری و اساتید دانشگاه	۱۰	۱۰ سال و بیشتر	مدیریت دولتی	۴
				سایر	۴

*ماخذ: یافته‌های پژوهش

داده‌ها و تحلیل

کلان روندها، پیشران‌ها و سناریوهای آینده

در بخش شناسایی کلان روندها و پیشران‌ها، با استفاده از روش پویش محیط، مرور تجارب، مصاحبه‌های تخصصی و دلفی، فهرست اولیه پیشران‌ها، شناسایی شده و در گام اول، ۷۰ پیشران مؤثر بر آینده صندوق‌های بازنشتگی، شناسایی شدند. پس از پالایش اولیه، فهرست پیشران‌ها، بومی‌سازی شده و با حذف پیشران‌های مشابه و دارای ارتباط کم با محیط آینده ایران، فهرست ۴۷ پیشران نهایی (فناوری ۱۱، اجتماعی ۸، زیست‌محیطی ۴، اقتصادی ۱۵، سیاسی - نهادی ۹ پیشران)، به منظور تحلیل اثرات متقاطع و سنجش اهمیت و عدم قطعیت، انتخاب شدند. بر اساس ماهیت موضوع مورد بررسی، بخش عمده‌ای از پیشران‌ها را پیشران‌های دو محور فناوری و

اقتصادی شکل می‌دهند. با توجه به این‌که پیشران‌ها، دامنه گسترده‌ای از روندها و پیشران‌های مختلف را پوشش می‌دهد؛ گونه‌شناسی این تعداد از پیشران‌ها و تحلیل آن‌ها از منظر آینده‌پژوهی، نقش مهمی در تصمیم‌گیری برای اتخاذ سیاست‌های بهینه خواهد داشت که نتایج روش تحلیل، اثرات متقاطع‌گونه مختلف پیشران‌ها را نشان داده است.

جدول ۵- رتبه‌بندی پیشران‌ها، بر اساس میزان اثرگذاری و اثرپذیری مستقیم

رتبه	Variable	اثرگذاری	رتبه	Variable	اثرپذیری
۱	میزان جذب سرمایه‌گذاری خارجی	۸۳	۱	نرخ بیکاری کشور	۹۷
۲	تداوم یا رفع تحریم‌ها	۷۹	۲	میزان جذب سرمایه‌گذاری خارجی	۷۲
۳	جهانی شدن کسب و کارها	۷۳	۳	نابرابری اقتصادی در جامعه	۷۰
۴	ظهور اقتصادهای نوظهور	۶۵	۴	ماشینی شدن و جایگزینی ربات‌ها با کارگران و کارمندان	۶۸
۵	پویایی سیاسی و دولت آینده	۶۵	۵	روند مصرف طبقه متوسط	۶۸
۶	خصوصی شدن مشاغل دولتی	۵۴	۶	میزان مهاجرت از کشور	۶۷
۷	تغییر قوانین و مقررات کار	۵۴	۷	جهانی شدن کسب و کارها	۶۰
۸	نرخ بیکاری کشور	۵۲	۸	دیجیتالی‌سازی کار و زندگی روزمره	۵۵
۹	تغییر انواع اشتغال (حذف کارهای دائمی و...)	۵۲	۹	امکان سرمایه‌گذاری صندوق‌ها در بازارهای خارجی	۵۵
۱۰	روند مصرف طبقه متوسط	۵۲	۱۰	مشاغل غیررسمی (نوبن)	۵۴
۱۱	امکان سرمایه‌گذاری صندوق‌ها در بازارهای خارجی	۵۰	۱۱	موبایل‌یفیکیشن	۵۳
۱۲	تداوم خشکسالی و یا کاهش آن	۴۹	۱۲	فناوری‌های مالی و پولی (فینتک)	۵۰
۱۳	کاهش مواد اولیه و اتمام منابع قابل برداشت کشور	۴۸	۱۳	افزایش امید به زندگی و سالخوردگی جمعیت	۵۰
۱۴	ماشینی شدن و جایگزینی ربات‌ها با کارگران و کارمندان	۴۵	۱۴	روند مهاجرت‌های اقلیمی	۵۰
۱۵	کارآمدی نظام بانکی و اصلاح قوانین سرمایه‌گذاری	۴۵	۱۵	نرخ رشد جمعیت	۴۹
۱۶	رشد شاغلین آزاد (فری لَنسر)	۴۳	۱۶	حضور و یا برگشت مهاجرین افغانستانی ایران	۴۸
۱۷	تغییر قیمت ارز	۴۳	۱۷	رشد شاغلین آزاد (فری لَنسر)	۴۸
۱۸	اینترنت موبایل با سرعت بالا و همواره در دسترس	۴۲	۱۸	رواج پرینترهای سه بعدی	۴۵
۱۹	تغییر قیمت نفت	۴۲	۱۹	تداوم آلودگی هوا و ریزگردها بویژه در کلان‌شهرها	۴۵
۲۰	رواج پرینترهای سه بعدی	۳۹	۲۰	رمزارها (ارزهای دیجیتال)	۴۴
۲۱	دیجیتالی‌سازی کار و زندگی روزمره	۳۹	۲۱	تغییر انواع اشتغال (حذف کارهای دائمی و رواج کار پاره وقت)	۴۲
۲۲	رمزارها (ارزهای دیجیتال)	۳۷	۲۲	تغییر قوانین و مقررات کار	۴۲
۲۳	تشدید قوانین زیست‌محیطی انتشار کربن	۳۶	۲۳	سهم زنان در بازار کار	۳۹
۲۴	مشاغل غیررسمی (نوبن)	۳۶	۲۴	تغییر قیمت نفت	۳۷

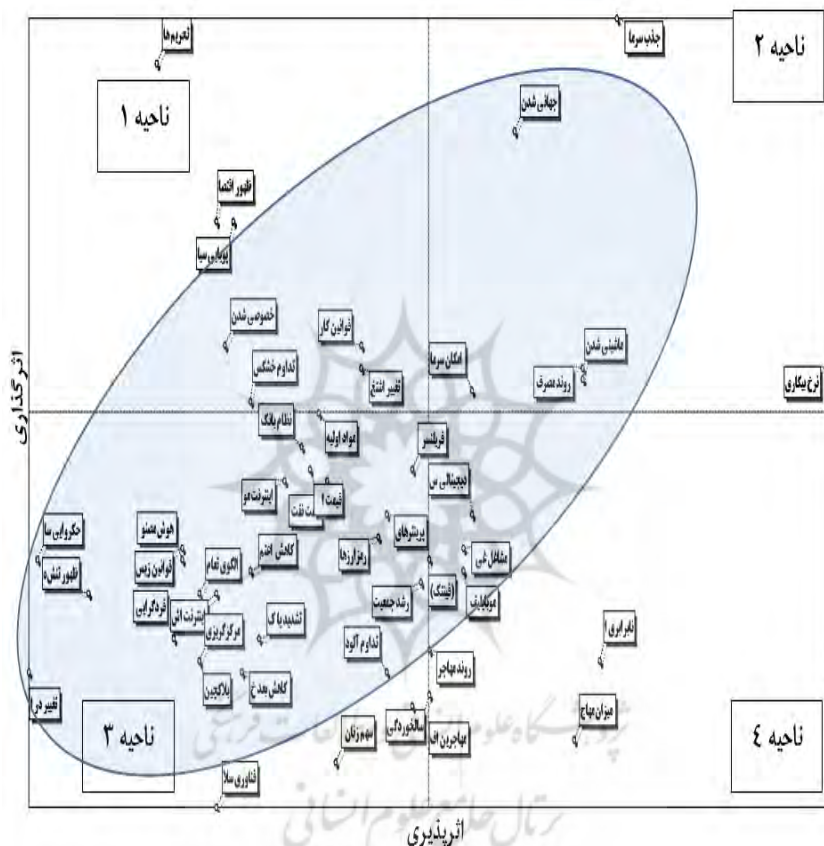
رتبه	Variable	رتبه	ثَرگذاری	Variable	رتبه
۲۵	هوش مصنوعی	۳۵	۲۵	کاهش مواد اولیه و اتمام منابع قابل برداشت کشور	۳۶
۲۶	فناوری‌های مالی و پولی (فینتک)	۳۵	۲۶	تغییر قیمت ارز	۳۶
۲۷	تاثیر نسل‌های قدیمی در حکمرانی	۳۵	۲۷	کارآمدی نظام بانکی و اصلاح قوانین سرمایه‌گذاری	۳۵
۲۶	موبایل‌فیکیشن	۳۴	۲۸	اینترنت موبایل با سرعت بالا و همواره در دسترس	۲۳
۲۹	کاهش اعتماد عمومی و ناامیدی از آینده	۳۴	۲۹	تشدید یا کاهش فساد اداری - سیاسی	۳۰
۳۰	نرخ رشد جمعیت	۳۳	۳۰	کاهش اعتماد عمومی و ناامیدی از آینده	۲۹
۳۱	اینترنت اشیا	۳۲	۳۱	تداوم خشکسالی و یا کاهش آن	۲۹
۳۲	تعاملات ایران با کشورهای حاشیه خلیج فارس	۳۲	۳۲	کاهش بعد خانوار	۲۷
۳۳	تنش‌های نظامی (آگاهانه یا تصادفی) در منطقه	۳۲	۳۳	بویایی سیاسی و دولت آینده	۲۷
۳۴	رواج فردگرایی	۲۸	۳۴	خصوصی شدن مشاغل دولتی	۲۶
۳۵	تشدید یا کاهش فساد اداری - سیاسی	۲۸	۳۵	اینترنت اشیا	۲۵
۳۶	روند مهاجرت‌های اقلیمی	۲۷	۳۶	فناوری‌های پایش و ارتقای سلامت	۲۴
۳۷	تکنولوژی زنجیره‌های بلوکی (بلاکچین)	۲۶	۳۷	ظهور اقتصادهای نوظهور	۲۴
۳۸	نابرابری اقتصادی در جامعه	۲۶	۳۸	تکنولوژی زنجیره‌های بلوکی (بلاکچین)	۲۳
۳۹	مرکزگرایی و مخالفت با الگوهای هنجاری رسمی	۲۶	۳۹	تعاملات ایران با کشورهای حاشیه خلیج فارس	۲۳
۴۰	کاهش بعد خانوار	۲۵	۴۰	مرکزگرایی و مخالفت با الگوهای هنجاری رسمی	۲۳
۴۱	تداوم آلودگی هوا و ریزگردها بویژه در کلان‌شهرها	۲۵	۴۱	هوش مصنوعی	۲۱
۴۲	تغییر در افراد کلیدی نظام	۲۵	۴۲	تشدید قوانین زیست‌محیطی انتشار کربن	۲۱
۴۳	افزایش امید به زندگی و سالخوردگی جمعیت	۲۳	۴۳	رواج فردگرایی	۲۰
۴۴	حضور و یا برگشت مهاجرین افغانستانی ایران	۲۲	۴۴	تداوم یا رفع تحریم‌ها	۱۸
۴۵	میزان مهاجرت از کشور	۱۹	۴۵	ظهور تنش‌های نظامی (آگاهانه یا تصادفی) در منطقه	۱۰
۴۶	سهم زنان در بازار کار	۱۷	۴۶	تاثیر نسل‌های قدیمی در حکمرانی	۴
۴۷	فناوری‌های پایش و ارتقای سلامت	۱۳	۴۷	تغییر در افراد کلیدی نظام	۳
	کل	۱۸۵۵		کل	۱۸۵۵

* مأخذ: یافته‌های پژوهش بر اساس خروجی نرم‌افزار میک‌مک

شناسایی متغیرهای راهبردی در نمودار

متغیرهای راهبردی، متغیرهایی هستند که بر بویایی و تغییر سیستم، تاثیرگذار باشند. با این توصیف، متغیرهایی که تأثیر بسیار بالایی دارند؛ اما کمتر تأثیرپذیرند را نمی‌توان متغیر راهبردی محسوب کرد. اگر نمودار وضعیت متغیرها را به صورت یک شبکه مختصات، فرض کنیم، متغیرهای قرار گرفته در ناحیه ۲، چنین وضعیتی دارند و برنامه‌ریزان، به ندرت قادر به تغییر این متغیرها هستند. متغیرهای قرار گرفته در ناحیه ۳ شبکه مختصات، چنانچه در نمودار نیز مشخص است؛

تأثیرگذاری و تأثیرپذیری بسیار پایینی در سیستم دارند و نمی‌توانند متغیر راهبردی محسوب شوند. متغیرهای ناحیه ۴ نیز، به دلیل وابستگی شدید به سایر متغیرها، خاصیت راهبردی ندارند و بیشتر، نتیجه سایر متغیرها به حساب می‌آیند. اما متغیرهای ناحیه ۱ شبکه مختصات، متغیرهای راهبردی هستند. چرا که هم قابلیت کنترل توسط سیستم مدیریتی را دارند و هم بر سیستم تأثیرگذاری قابل قبولی دارند. در واقع هر چه از انتهای ناحیه ۳، به سمت انتهای ناحیه ۱ شبکه مختصات، نزدیک‌تر می‌شویم؛ بر میزان اهمیت و راهبردی بودن متغیر افزوده می‌شود.



شکل ۴- پلان اثرگذاری و اثرپذیری مستقیم پیشنهادها

پراکنش پیشران‌ها، به‌صورت لوزی شکل، روی پلان، بیانگر وجود تعداد زیادی متغیر با ماهیت پویا (اثرگذاری و اثرپذیری هم‌زمان) است که در ناپایداری شرایط فعلی، تأثیر گذارند. بر اساس خروجی نرم‌افزار میک‌مک، در چنین وضعیتی، در آینده کوتاه‌مدت و میان‌مدت، امکان تغییرات اساسی در وضعیت و روند فعلی وجود دارد و آینده سیستم، ممکن است به اشکال بسیار متفاوتی از وضع موجود، بروز کند. علاوه براین، وجود تعداد زیادی متغیر تنظیم‌کننده، این فرصت را در

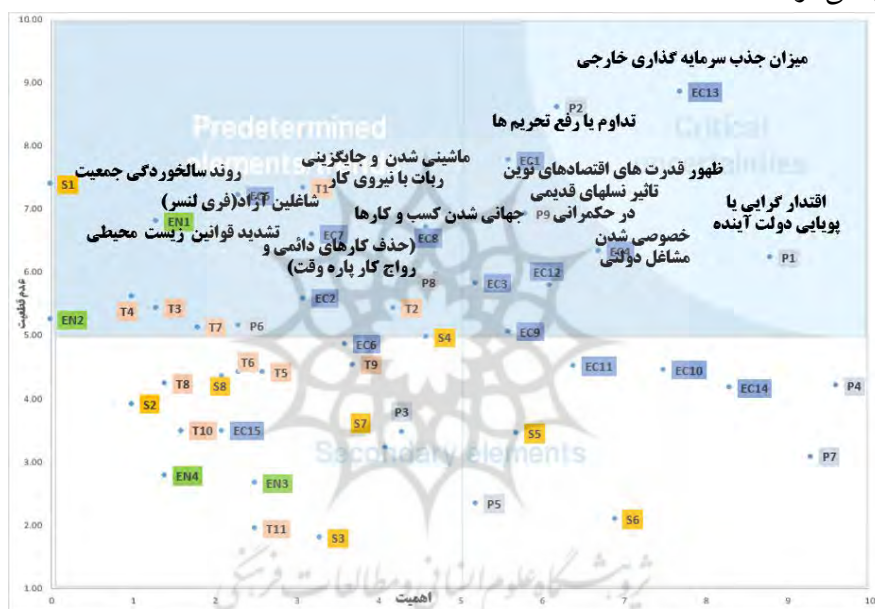
اختیار صندوق‌های بازنشستگی و دولت قرار می‌دهد که بتوانند با به کارگیری و اعمال تغییر در این متغیرها، شرایط سیستم را سمت پایداری مثبت هدایت کنند.



شکل ۵ - گونه‌شناسی پیشمرانه‌های اثرگذار بر آینده صندوق‌های بازنشستگی، بر اساس موقعیت قرارگیری در نمودار اثرگذاری - اثرپذیری مأخذ: یافته‌های پژوهش

نتایج تحلیل اثرات متقابل، بیانگر این است که متغیرهای: جذب سرمایه‌گذاری خارجی، جهانی شدن کسب و کارها، امکان سرمایه‌گذاری صندوق‌ها در خارج از کشور و نرخ بیکاری، بیشترین تأثیر را از دیگر پیشمرانه‌ها پذیرفته و در عین حال، بیشترین تأثیر را بر آنها گذاشته‌اند. گرچه در برخی مطالعات، خروجی تحلیل اثرات متقاطع به صورت مستقیم، برای سناریونگاری استفاده می‌شود؛ اما در این پژوهش، از ترکیب خروجی میک‌مک و شاخص اجماع، برای شناسایی عدم قطبیت‌های بحرانی استفاده شده است. بدین منظور، پس از سنجش اثرگذاری و اثرپذیری

پیشران‌ها بر همدیگر، میزان عدم قطعیت یا احتمال وقوع آن‌ها نیز، مورد سنجش و ارزیابی قرار گرفته و بر اساس عادی‌سازی اعداد، اهمیت و عدم قطعیت در طیف ۰ تا ۱۰ نمودار عدم قطعیت‌های بحرانی (شکل زیر)، ترسیم شد. نتایج نشان می‌دهد که گرچه ممکن است در افق کوتاه مدت (افق ۱ تا ۵ سال آینده) مسأله ماشینی شدن، رواج فری‌لنسرها و حذف مشاغل رسمی، تهدیدی جدی برای صندوق‌های بازنشستگی نباشد؛ اما در افق بلندمدت، هر کدام می‌توانند زیر بنای کار، بیمه و صندوق‌های بازنشستگی را دگرگون کنند. در عین حال، چالش‌هایی چون خشکسالی، روند سالخوردگی جمعیت، کاهش بعد خانوار و کاهش اعتماد عمومی و نامیدی از آینده، نیازمند توجه جدی در اسرع وقت هستند و در حال حاضر نیز، این عوامل چالشی جدی محسوب می‌شوند.



شکل ۱- نمودار عدم قطعیت‌های بحرانی

عوامل از پیش معین، در کنار عدم قطعیت‌های بحرانی، استخوان‌بندی سناریوها را شکل می‌دهند. بنابراین، آینده صندوق‌های بازنشستگی، ترکیبی از نتایج عدم قطعیت‌ها و عوامل از پیش معین، اثرگذار بر این حوزه خواهد بود. بر اساس یافته‌های گام‌های پیشین پژوهش، آینده اقتصاد و سرمایه‌گذاری در ایران، متأثر از ترکیب ۴ عدم قطعیت بحرانی و ۸ عامل از پیش معین است. ترکیب ۴ عدم قطعیت بحرانی، منجر به شکل‌گیری ۱۶ سناریو شد که در نهایت، ۶ سناریو، از نظر سازگاری درونی و میزان باورپذیری و تمایز با دیگر سناریوها، به‌عنوان سناریوهای نهایی انتخاب شدند.

اثرات عدم قطعیت‌های بحرانی، بر آینده صندوق‌های بازنشستگی

عدم قطعیت	پیش فرض ها	پیامدها و تأثیر احتمالی بر صندوق های بازنشستگی
تأثیر نسل های قدیمی در حکمرانی	افزایش تأثیر بازنشستگان و سالمندان در دولت آینده	۱- افزایش سهم صندوق های بازنشستگی در بودجه سالانه. ۲- اولویت دهی به افزایش مستمری بازنشستگان. ۳- کاهش بودجه های عمرانی. ۴- واگذاری بیشتر دارایی های دولت، به صندوق ها در ازای بدهی. ۵- افزایش هزینه های درمانی و از کار افتادگی.
اقتدارگرایی یا پویایی دولت آینده	غلبه خواستها و مطالبات جوانان بر تصمیمات دولت	۱- اولویت دادن به اشتغال زایی در برنامه های توسعه. ۲- افزایش سهم بودجه عمرانی. ۳- افزایش شاغلین و در نتیجه افزایش ورودی صندوق ها. ۴- کاهش هزینه های درمانی.
تداوم یا رفع تحریم ها	دولت اقتدارگرا (احتمالاً نظامی)	۱- احتمال ادغام صندوق ها در دولت. ۲- تصمیم گیری های پویلیستی و سریع (احتمالاً درباره قوانین بازنشستگی و مستمری) ۳- تداوم عدم شفافیت و فساد در صندوق ها. ۴- سخت گیری و عدم امکان نظارت مستقل بر صندوق ها.
تداوم یا رفع تحریم ها	دولت منعطف و پویا	۱- بازنگری اساسی در صندوق ها، به منظور استقلال از دولت. ۲- زمینه سازی شفافیت در برنامه ریزی و تصمیم گیری برای صندوق ها. ۳- بهره گیری از ظرفیت جامعه علمی و خود جامعه بازنشستگان برای حل مشکلات.
تداوم یا رفع تحریم ها	رفع تحریم ها	۱- افزایش اشتغال و کاهش بیکاری. ۲- به روزرسانی صنایع تحت مالکیت صندوق ها. ۳- امکان صادرات محصولات شرکت ها و افزایش سود. ۴- امکان به کارگیری تکنولوژی های نوین. ۵- زمینه سازی سرمایه گذاری صندوق ها در بازارهای خارجی
تداوم یا رفع تحریم ها	تداوم تحریم ها	۱- تداوم بیکاری و نرخ کاهشی ورودی صندوق ها. ۲- عدم امکان به روزرسانی صنایع و زیر ساخت ها. ۳- عدم امکان صادرات محصولات شرکت های وابسته به صندوق ها.
خصوصی شدن مشاغل دولتی	تداوم وضع موجود تصدی گری دولت	۱- افزایش استخدام های دولتی. ۲- افزایش و تشدید فشار مستمری بازنشستگان در بلندمدت. ۳- دخالت بیشتر در صندوق ها.
خصوصی شدن مشاغل دولتی	خصوصی شدن مشاغل دولتی	۱- افزایش سهم کارفرما در حق بیمه. ۲- کاهش فشار حقوق و مستمری در بلندمدت بر دولت.
میزان جذب سرمایه گذاری خارجی	افزایش سرمایه گذاری خارجی	افزایش سرمایه گذاری خارجی، اثراتی همانند رفع تحریم ها دارد؛ لیکن باید این نکته را در نظر داشت که با تغییر قدرت های اقتصادی، اثر تحریم ها نیز کاهش یافته و روابط حسنه ایران با چین (و سایر قدرت های نوظهور)، می تواند سرمایه گذاری خارجی را علی رغم تحریم ها، افزایش دهد.
میزان جذب سرمایه گذاری خارجی	کاهش سرمایه گذاری خارجی	

*مأخذ: یافته های پژوهش

شش سناریوی پیش روی صندوق های بازنشستگی در افق ۱۰ سال آینده، بر اساس ۴ عدم قطعیت بحرانی

سناریوها	تحریم‌ها	دولت آینده	خصوصی شدن مشاغل دولتی	تأثیر نسل‌های قدیمی در حکمرانی
اول: بازسازی پس از جنگ اقتصادی	رفع تحریم‌ها	منعطف و پویا (فراجناحی)	خصوصی شدن	تأثیر بیشتر بازنشسته‌ها بر دولت و بودجه
دوم: تعامل و سازندگی	رفع تحریم‌ها	منعطف و پویا (فراجناحی)	دولتی ماندن	غلبه خواست‌های جوانان
سوم: لبه پرتگاه	تداوم تحریم‌ها	اقتدارگرا (تک جناحی)	دولتی ماندن	غلبه خواست‌های جوانان
چهارم: نرمش قهرمانانه	تداوم تحریم‌ها	منعطف و پویا (فراجناحی)	خصوصی شدن	غلبه خواست‌های جوانان
پنجم: پیروزی نزدیک	رفع تحریم‌ها	اقتدارگرا (تک جناحی)	دولتی ماندن	تأثیر بیشتر بازنشسته‌ها بر دولت و بودجه
ششم: سازش و گذار	تداوم تحریم ها	منعطف و پویا (فراجناحی)	دولتی ماندن	تأثیر بیشتر بازنشسته‌ها بر دولت و بودجه

مأخذ: یافته‌های پژوهش

هرکدام از سناریوهای فوق، با مجموعه‌ای از فرصت‌ها و چالش‌ها همراه خواهد بود که روی ابعاد بیمه‌ای و سرمایه‌گذاری صندوق‌های بازنشستگی، تأثیر خواهد گذاشت. بر اساس فرصت‌ها و چالش‌ها، هر کدام از سناریوها، امکان ارائه جهت‌گیری‌ها و راهبردهای خاص هر سناریو، وجود خواهد داشت. لیکن، تعیین جهت‌گیری‌های کلی که در سناریوهای مختلف، کارآمد باشد؛ اهمیت بیشتری دارد. بر اساس فضای ریخت‌شناسی و تحلیل اثرات و پیامدهای سناریوهای شش‌گانه، راهبردها و جهت‌گیری‌های زیر، برای آینده صندوق‌های بازنشستگی ارائه شده‌اند.

فرصت‌ها و چالش‌های صندوق‌های بازنشستگی در سناریوهای شش‌گانه

فرصت‌ها						سناریوها					
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۱	۲	۳	۴	۵	۶
مکان جذب سرمایه‌گذاری خارجی											
رونق تولید و افزایش اشتغال‌زایی در نتیجه، افزایش ورودی صندوق‌های بیمه											
امکان استقلال صندوق‌ها و افزایش ظرفیت پیگیری مطالبات بازنشستگان											
مکان به‌روزرسانی و اصلاح قوانین مبتنی بر مطالبات واقعی به شیوه‌های مشارکتی											
کاهش فشار مستمری و حقوق بازنشستگان در بلندمدت به دلیل خصوصی شدن مشاغل دولتی											
مکان به‌روزرسانی تکنولوژی صنایع و شرکت‌های تحت مالکیت صندوق‌ها											
افزایش درآمدهای دولت و تسهیل زمینه پرداخت بدهی و مطالبات صندوق‌ها											
مکان سرمایه‌گذاری در بازارهای سرمایه خارجی توسط صندوق‌ها											
کاهش بار تکفل و در نتیجه، کاهش فشار بر بازنشستگان در افق بلندمدت (بیشتر از ۱۵ سال)											
چالش‌ها						سناریوها					
محدودیت صنایع آلاینده، از جمله صنایع نفت و پتروشیمی و عدم امکان رقابت با شرکت‌های مشابه خارجی						۱	۲	۳	۴	۵	۶

						جذب نیروی کار ایرانی در شرکت‌های خارجی و توسعه بازار مشاغل غیررسمی مبتنی بر فناوری اطلاعات و ارتباطات
						کاهش جذابیت بازار کار داخلی برای نیروی کار و تمایل به مهاجرت به دلیل تسهیل تعاملات
						سالخوردگی جمعیت و افزایش تدریجی فشار مستمری و هزینه‌های درمانی و از کار افتادگی
						افزایش مهاجرت‌های اقلیمی و تأثیر مستقیم آن بر کاهش ورودی صندوق روستاییان و عشایر
						تأثیر غیرمستقیم خشکسالی بر مهاجرت به شهرها و افزایش مشاغل غیررسمی
						تغییر سریع الگوی کار و اشتغال و عدم تناسب ظرفیت‌های قانونی فعلی برای بیمه مشاغل پاره وقت و فری‌لنسرها
						کاهش اعتماد به صندوق‌های بازنشستگی و کاهش تمایل به مشارکت در پرداخت بیمه (دور زدن قوانین بیمه)
						کاهش ذخایر مالی صندوق‌ها
						تشدید مسأله نقد شوندگی و افزایش سهم دارایی‌های دیر نقد شونده
						افزایش استهلاک و تشدید زیان‌دهی شرکت‌های متعلق به صندوق‌ها
						کاهش ارزش دارایی‌های صندوق‌های بازنشستگی
						امکان ادغام مجدد شرکت و سازمان‌های متعلق به صندوق‌ها در دولت
						تشدید اعتراضات مدنی بازنشستگان و تبدیل آن به یک جریان سیاسی
						ندام قانون‌گذاری بی‌ضابطه و افزایش تعهدات صندوق‌ها تحت تأثیر تصمیمات سیاسی عجولانه
						ندام عدم شفافیت در صندوق‌ها

ماخذ: یافته‌های پژوهش

بحث و نتیجه گیری

امروزه صندوق‌های بازنشستگی، چه در کشورهای پیشرفته و چه در کشورهای در حال توسعه، با انبوهی از چالش‌ها و عدم قطعیت‌ها، در قبال آینده روبه‌رو هستند. کلان روندهایی مانند جهانی شدن، توسعه فناوری، تغییر الگوی کار و زندگی خانوادگی و همین‌طور تنوع در شیوه‌های زندگی، ناهمگنی اجتماعی و فرهنگی، گسترش آموزش، توسعه فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی، هوش مصنوعی و مهاجرت، همگی بر کلیت نظام رفاهی، برطرف ساختن امور رفاهی افراد و در نتیجه، وضعیت صندوق‌های بازنشستگی تأثیر می‌گذارد. رضوی و همکاران (۱۳۹۹)، بحران صندوق‌های بازنشستگی را ناشی از کلان روندهای: پیرتر شدن جمعیت، تجمع بدهی‌های دولت، پیشی گرفتن تعداد مستمری بگیران از شاغلین و عدم سرمایه‌گذاری کارآمد می‌دانند. صندوق‌های بازنشستگی، در عین تأثیرپذیری از شرایط کلی اقتصادی کشور، خود، به عنوان یک بخش فعال و تاثیرگذار در اقتصاد نیز، ایفای نقش می‌کنند. در پژوهش پیش‌رو، در گام اول، ۷۰ پیشران مؤثر بر آینده صندوق‌های بازنشستگی، شناسایی و پس از پالایش اولیه فهرست، ۴۷ پیشران نهایی (فناوری ۱۱، اجتماعی ۸، زیست‌محیطی ۴، اقتصادی ۱۵، سیاسی - نهادی ۹ پیشران) به منظور تحلیل اثرات متقاطع و سنجش اهمیت و عدم قطعیت انتخاب شدند. نتایج نشان می‌دهد که گرچه ممکن است در افق کوتاه مدت (افق ۱ تا ۵ سال آینده) برخی پیشران‌ها، چون مسأله ماشینی شدن، رواج مشاغل

آزاد (فری‌لنسرها) و حذف مشاغل رسمی، تهدیدی جدی برای صندوق‌های بازنشستگی نباشد؛ اما در افق بلندمدت، هر کدام می‌توانند زیر بنای کار، بیمه و صندوق‌های بازنشستگی را متحول کنند. در عین حال، چالش‌هایی چون خشکسالی، روند سالخوردگی جمعیت، کاهش بعد خانوار و کاهش اعتماد عمومی و ناامیدی نسبت به آینده، نیازمند توجه جدی در اسرع وقت هستند و در حال حاضر نیز، این عوامل، چالشی جدی محسوب می‌شوند. وانگ و دیگران (۲۰۱۹)، در پژوهش خود، درباره آینده بازنشستگی در چین، به این نتیجه رسیده‌اند که اگر چین، به طور مداوم، سیاست تک فرزندی را اجرا کند و سن قانونی فعلی بازنشستگی را حفظ کند، در اوایل دهه ۲۰۲۰، عدم تعادل در برنامه بازنشستگی رخ خواهد داد. همچنین، رضوی و همکاران (۱۳۹۹)، کلان روندهای تأثیرگذار بر آینده صندوق‌های بازنشستگی ایران را در قالب پنج سناریوی: تورم نفتی، تورم ارزی، تورم غیرنفتی و اقتصاد مقاومتی، شناسایی کرده‌اند. در مقابل، در پژوهش پیش رو، چهار عدم قطعیت بحرانی تأثیرگذار بر آینده صندوق‌های بازنشستگی: تأثیر نسل‌های قدیمی در حکمرانی، روند خصوصی شدن مشاغل دولتی، ماهیت سیاسی دولت و تحریم‌ها، شناسایی شده‌اند. درباره عوامل کلان تأثیرگذار بر آینده صندوق‌های بازنشستگی در ایران، چارمحالی و همکاران (۱۴۰۰)، به این نتیجه رسیده‌اند که وجود مسائل و چالش‌های گوناگون در برابر صندوق‌های بازنشستگی، همچون نظام بازنشستگی DB، تورم، تغییرات جمعیتی، رقابتی شدن صندوق‌ها، سرمایه‌گذاری و همچنین، کاهش نسبت پشتیبان در کشور، بیشترین تأثیر را روی منابع و مصارف صندوق‌های بازنشستگی کشور خواهد گذاشت. آن‌ها همچنین، ریسک‌های تغییرات نرخ حقوق و دستمزد، نرخ مستمری و نرخ بازده سرمایه‌گذاری را به عنوان چالش‌های اصلی، در تعادل منابع و مصارف صندوق‌ها شناسایی کرده‌اند.

کریمیان سیجانی (۱۴۰۰)، نتایج سیاست بازنشستگی پیش از موعد را بر تعداد بیمه‌شدگان، تعداد مستمری‌بگیران و تعداد بازماندگان و به دنبال آن، بر هزینه و درآمد سازمان تأمین اجتماعی، بررسی کرده‌اند. طبق برآورد به دست آمده، سناریوی افزایش یک درصدی بازنشستگی پیش از موعد (به شرط جایگزینی کامل)، می‌تواند در ۳۵ سال آینده، به طور متوسط، هر ساله تعداد بیمه‌شدگان را ۱۳ هزار نفر کاهش، تعداد بازنشستگان را بیش از ۱۶٫۵ هزار نفر افزایش و تعداد بازماندگان مستمری‌بگیر را نیز حدود ۳٫۶ هزار نفر افزایش دهد. آن‌ها معتقدند؛ محدود نمودن برنامه‌های بازنشستگی‌های پیش از موعد، کاهش سنوات ارفاقی و افزایش سن بازنشستگی؛ از جمله اصلاحاتی است که می‌تواند بار مالی مربوط به این نوع بازنشستگی‌ها را کاهش دهد.

تطبیق نتایج پژوهش‌های مرتبط با موضوع این مقاله، حاکی از این است که گرچه در برخی موارد، درباره عوامل و کلان روندهای اثرگذار بر آینده صندوق‌های بازنشستگی، همپوشانی وجود

دارد؛ لیکن، تفاوت اساسی در رویکرد هر کدام از مقالات، امکان مقایسه کامل نتایج را نمی‌دهد. در بیشتر پژوهش‌های انجام شده، با اتکا به مدل‌های شبیه‌سازی و داده‌های کمی، سناریوهای آینده صندوق‌های بازنشستگی، شناسایی و تحلیل شده‌اند. لیکن در این پژوهش، رویکرد کیفی بوده و عدم قطعیت ذاتی موجود در کلان روندهای محیط بیرونی، در کانون توجه سناریونگاری، قرار گرفته است. لذا، خروجی پژوهش، نه در قالب اعداد و ارقام و برآورد دقیق، بلکه در قالب تصویرسازی و تبیین وضعیت صندوق‌های بازنشستگی در سناریوهای مختلف، ارائه شده است. تبیین وضعیت چالش‌ها و فرصت‌ها در سناریوهای شش گانه، حاکی از این است که چالش‌های: سالخوردگی جمعیت و افزایش تدریجی فشار مستمری و هزینه‌های درمانی و از کار افتادگی، افزایش مهاجرت‌های اقلیمی و تأثیر مستقیم آن بر کاهش ورودی صندوق روستاییان و عشایر و تأثیر غیرمستقیم خشکسالی بر مهاجرت به شهرها و افزایش مشاغل غیررسمی، در حداقل چهار سناریو در آینده، روند افزایشی و منفی خواهند داشت. در مقابل، فرصت‌هایی مانند: کاهش بار تکفل و در نتیجه، کاهش فشار بر بازنشستگان در افق بلندمدت (بیشتر از ۱۵ سال) و امکان استقلال صندوق‌ها و افزایش ظرفیت پیگیری مطالبات بازنشستگان، دو فرصت کلیدی برای بهبود وضعیت بازنشستگان در آینده خواهد بود.

از میان سناریوهای شش گانه، دو سناریو با نام‌های: بازسازی پس از جنگ اقتصادی و تعامل و سازندگی، سناریوهای مرجحی هستند که با توجه به مصاحبه‌ها و پیشران‌های اثرگذار و اثرپذیر، قابل استنتاج هستند. به علاوه، با عنایت به دگرگونی‌های یاد شده، نیاز به تغییر در تمرکز پژوهش‌ها و جهت‌گیری‌ها، به سمت ساخت مدل‌های جدید رفاهی، با در نظر گرفتن محیط‌های آینده، انکارناپذیر است. همچنین، اتخاذ راهبردهایی مثل حرکت در مسیر حکمرانی و اداره غیردولتی، ایجاد ثبات مدیریتی و حداقل نمودن تاثیرگذاری تنش‌های سیاسی، حرکت در مسیر توسعه و ارتقای زندگی بازنشستگی (بازنشستگی پویا)، با رویکرد ارتقای امنیت اقتصادی، ارتقای سلامتی و تندرستی و ارتقای سطح مشارکت بازنشستگان در جامعه، پیشنهاد‌های سیاستی و جهت‌گیری‌های کلانی است که در راستای تحقق سناریوهای مرجح، قابل طرح و پیگیری است.

پیشنهاد‌های پژوهشی

انجام تحلیل‌های آینده‌نگر، درباره نقش بازیگران مؤثر در بحران صندوق‌های بازنشستگی در سناریوهای مختلف

ارائه تحقیقات و مدل‌های راهبردپردازی سناریو محور برای صندوق‌های بازنشستگی
کمی‌سازی سناریوها و تبدیل داستان سناریوها به شاخص‌های قابل اندازه‌گیری
پایش مداوم کلان‌روندها و عدم قطعیت‌های بحرانی تاثیرگذار بر صندوق‌های بازنشستگی
انجام مطالعات و پژوهش‌های مرتبط با آینده‌نگاری صندوق‌های بازنشستگی در مقیاس کلان و با
مشارکت گسترده خبرگان، در مقیاس ملی

منابع و مآخذ

- ابراهیمی، ایلنازو همتی مریم (۱۳۹۷). «نقش و اثرگذاری صندوق‌های بازنشستگی در ثبات مالی اقتصاد ایران»، بیست و هشتمین همایش سیاست‌های پولی و ارزی.
- حمیدرضا ایزدبخش، حسن چهارمحالی، حمیدرضا کردلویی (۱۴۰۱). «مدل‌سازی و شبیه‌سازی وضعیت پایداری صندوق‌های بازنشستگی بر اساس ریسک‌های حقوق و دستمزد و نرخ بازده سرمایه، با رویکرد پویاشناسی سیستم‌ها (مورد مطالعه: سازمان تأمین اجتماعی)»، دوفصلنامه پژوهشنامه مدیریت اجرایی، دوره ۱۴ شماره ۲۸، اسفند ۱۴۰۱.
- عزتی و دیگران (۱۳۹۷). «اثر ساختار سنی جمعیت بر امنیت اقتصادی ایران»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)، سال نوزدهم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۸، صص ۱۲۵ - ۱۵۹.
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، معاونت پژوهش‌های اقتصادی (۱۳۹۹) تصویری از وضعیت اقتصادی کشور؛ چالش‌ها و راهکارها
- میرزا ابراهیمی، رضا (۱۳۹۶). «علل بحران در صندوق‌های بازنشستگی ایران»، ویژه‌نامه صندوق‌های بازنشستگی
- حسین پاریسیان (۱۳۹۹). «بررسی وضعیت صندوق‌های بازنشستگی در ایران؛ با تأکید بر صندوق بازنشستگی کشوری و لشکری»، مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری
- بهرز هادی نوز (۱۳۹۷). وضعیت صندوق‌های بازنشستگی در گذر زمان، مؤسسه صبا
- گزارش وضعیت مالی، بیمه‌ای و اقتصادی صندوق‌های بازنشستگی کشوری (معاونت اقتصادی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی)، ۱۳۹۶
- الکاک، پیت، مارگارت می و کارن راولینگسون (۱۳۹۱)، کتاب مرجع سیاستگذاری اجتماعی، جلد‌های اول و دوم، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- رضوی، سیدمهدی، بزرگ اصل، موسی، و امیری، میثم. (۱۳۹۹). برنامه‌ریزی درازمدت تخصیص دارایی صندوق‌های بازنشستگی: کاربردی از برنامه‌ریزی سناریوی مینا. پژوهشنامه مدیریت اجرایی، ۱۲ (۲۳)، صص ۴۱ - ۶۵.

چهارمحالی، حسن؛ ایزدبخش، حمیدرضا؛ کردلویی، حمیدرضا و فلاح شمس، میرفیض. (۱۴۰۰). «شبیه‌سازی تعادل منابع و مصارف در صندوق‌های بازنشستگی بر اساس ریسک‌های جمعیتی». فصلنامه علمی مطالعات منابع انسانی، ۱۱ (۳)، صص ۹۶ - ۷۱.

کریمیان سیجانی، زهرا؛ چراغعلی، محمد حسن و دهقانی، علی (۱۴۰۱). «تحلیل تأثیر بازنشستگی‌های پیش از موعد، بر صندوق بازنشستگی تأمین اجتماعی ایران، با استفاده از پویایی‌های سیستم در افق ۱۴۳۰». آینده پژوهی ایران، ۷ (۱)، صص ۲۱۳ - ۲۴۰.

References

- Palloni, Alberto, (2009). Family Support Networks and Population Ageing: A Summary Statement, Paper Presented on Doha, Qatar.
- Uddin, G. A.; Alam, K., & Gow, J. (2016). Population age structure and savings rate impacts on economic growth: Evidence from Australia. *Economic Analysis and Policy*, 52 : 23-33.
- Bouget, Denis & Frazer, Hugh & Marlier, Eric & Sabato, Sebastiano & Vanhercke, Bart. (2015). Social Investment in Europe: A study of national policies. European Social Policy Network (ESPN). 10.2767/084978.
- Willekens, Frans. (2014). The Multistate Life Table. 10.1007/978-3-319-08383-4_7.
- Pahl, R.E., & Spencer, L. (2010). Family, Friends, and Personal Communities: Changing Models in the Mind. *Journal of Family Theory and Review*, 2, 197-210.
- OECD (2019), Can Social Protection Be an Engine for Inclusive Growth?, Development Centre Studies, OECD Publishing, Paris. <https://doi.org/10.1787/9d95b5d0-en>
- Giulio Pasi & Gianluca Misuraca (2020) Welfare 2.0: future scenarios of social protection systems in the digital age, Policy Design and Practice, 3:2, 163-176, DOI: 10.1080/25741292.2020.1770965
- I., Gonzalez & S., Milasi, & Carretero, Stephanie & Napierala, Joanna & N., Robledo & Jonkers, Koen & X., Goenaga, & (Eds), & E., Arregui & Bacigalupo, Margherita & Biagi, Federico & M., Cabrera & Caena, Francesca & Castaño-Muñoz, Jonatan & Centeno, Clara & J., Edwards, & Macias, Enrique & E., Gomez & E., Gomez & Reisach, Ulrike. (2019). The changing nature of work and skills in the digital age. 10.2760/679150.
- Maino, F. (2015). "Secondo Welfare e Territorio: risorse, Prestazioni, Attori, Reti." In: Franca Maino and Maurizio Ferrera (Eds.). Secondo Rapporto Sul Secondo Welfare in Italia, Centro Einaudi. Torino. pp. 15-42. https://www.secondowelfare.it/edt/file/Versione_integrale_2R2W.pdf
- Sachweh, P., & Olafsdottir, S. (2012). The Welfare State and Equality? Stratification Realities and Aspirations in Three Welfare Regimes. *European Sociological Review*, 28(2), 149-168. <http://www.jstor.org/stable/41495486>
- Wang, Huan, Jianyuan Huang, and Qi Yang (2019) "Assessing the Financial Sustainability of the Pension Plan in China: The Role of Fertility Policy

Adjustment and Retirement Delay" Sustainability 11, no. 3: 883.
<https://doi.org/10.3390/su11030883>
PwC(2017) Pension ۲۰۲۵-Scenarios for the future of the pension sector
Swedish Pensions Agency(2020)ORANGE REPORT 2020 Annual
Report of the Swedish Pension Syst

